

سال تأسیس روزنامه ملی ایس (۱۳۰۶)

نمبر مسلسل ۲۲۵۱۸

Ketabton.com

جمهوری فومنی تقدیم گفت

بر اساس بیشنهاد رئیس و اعضاي  
شورای فومنی مومند و سایر  
بزرگان آن فوم، لاضی زرشاه  
مومند، به عنوان مشاور رئیس  
جمهوری اسلامی در امور  
فومی، طی حکم رئیس  
جمهوری تقدیم گفت. به اساس  
معلومات ریاست عمومی، اداره

مالکت وی

په دعې کته کې دو! رو  
لورو د سولې د پروسي  
په قطر کې د طالبانو د  
دفتر د پرائیستلو او د یو  
شهر سیمه ایرو مسلو په  
اره خبری و کړي.



# حک شدن کلمه مهاجر بر جین افغان‌ها

می‌شود چرا پاید ملت اش به کشورهای همسایه مهاجر شوند؟ و چرا پاید ملت اش به نام مهاجر در منطقه شناخته شوند؟

آیا این ملصانه است نظامی که به اساس آرای مردم و ملت اش شکل گرفته باشد مردم و ملت اش از طرف ییگانه‌ها با لحن گستاخانه و عمل تحقیرانه خوار و دلیل شمرده شوند؟

افغان‌ها مانند سایر مردم جهان حق دارند تا از تمام امتیازات یک زندگی بهتر برخوردار باشند.

آیا حکومت افغانستان برای حل این فاجعه و بحران هیچ رسالتی از خود ندارد؟ و هیچ مسؤولیت و مکلفتی را متوجه خود نمی‌پندارد؟ در حال حاضر افغانستان کشور چند سال قبل نیست، اکنون این کشور از حمایت وسیع جامعه جهانی برخوردار بوده و دارای یک حکومت به رسمیت شناخته شده در جهان است.

با وجود این همه چرا پاید افغان‌ها همیشه از طرف ییگانگان به تمسخر گرفته شوند و مورد تحمل دیگران قرار گیرند.

توبی کنده: نبیل الله «حیدر»

مردم همراهی شد و مردم بالب خندان و جین گشاده به آینده خود و اطفال خود امیدوار بودند. حکومت انتخابی به اساس آرای مردم شکل گرفت و به فعالیت آغاز نمود و این نظام منتخب برای جلب و اجتماعی آن ویران شده بود، سرازیرشد.

مهاجرین افغان که در

سعادت ملت رنج دیده اش

تلash زیاد نمود.

اما بیکاری و عدم اشتغال همچنان فرا راه مردم قرار دارد و سرحدات کشورهای همسایه به روی زندگی آبرومندانه چشم به راه بودند. این توافقات حاصله بن این بود که اداره موقت و انتقالی تشکیل شود و سنگ تهداب حکومت انتخابی که از طرف مردم برای مردم همسایه می‌کنند، بنا به نیاز شکل گرفته باشد، بنا به نیاز مهاجر افغان توقيف شود. حکومت انتخابی در حال شکل گیری بود، مردم می‌شوند یا نصب ماین های جاسازی شده سرحدات بیرونی همسایگان می‌گردیدند.

سوال اینجاست در حال که حکومت افغانستان به اساس آرای مردم خود بنا نهاده شده است و دارای رفتند و برای تعیین زعیم سه رکن اساسی (قوه مقننه، قضاییه و اجراییه) متناسب برای کشور شان رأی دادند. تشکیل حکومت انتخابی با دینی از امید و آرزوهای نهان و آشکار

آنچه شده است.

باشور و اشتیاق پای

صدوقهای رأی دهن

دست داشت و برای

اعتدال و از سوی

جامعه برای

دینی می‌کنند.

و همچنان که می‌گذرد

# هفت شرکه

معرفی کتاب:



عنوان

ناشر

سال انتشار

جلد

تعداد صفحه

حجم

نحوه توزیع

مقدار

هزینه

مکان

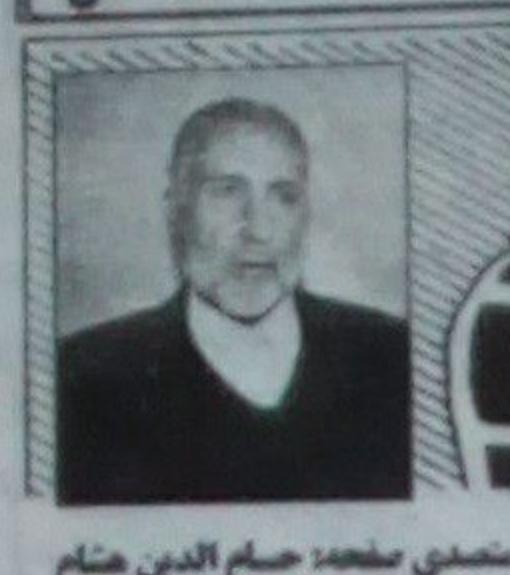
تاریخ

محل

مکان

تاریخ

محل



محتوى مجلد: حسام الدين هشام

طراحی در قالب شعر سید

## یاد بگیر

یاد بگیر ساده ترین چیز ها را!  
برای آنان که بخواهند یاد بگیرند?  
هر گز دیر نیست  
الفرا را یاد بگیری کافی نیست، اما آن را یاد بگیر!  
مکنار دلت را سرد کنند  
دست به کار شو! تو همه چیز را باید بدانی  
تو باید رهبری را به دست گیری  
ای آنکه در تعییدی یاد بگیر  
ای آن که در زندانی یاد بگیر  
ای زنی که در خانه نشسته بی یاد بگیر  
ای انسان شست ساله یاد بگیر  
تو باید رهبری را به دست گیری  
ای آن که بی خانمانی در پی درس و مدرسه باش!  
ای آنکه از سرما عی لوزی جیزی یاموز!  
ای آنکه گرسنه کی هی کشی، کتابی به دست گیر?  
این خود سلاحی است  
تو باید رهبری را به دست گیری ای دوست  
از پرسیدن شرم مکن؟  
مکنار که با زور پذیرنده ات کنند

خود به دنبال اش بگرد!  
صورت حساب ات را خودت جمع بزن  
این تویی که باید پردازی اش  
روی هر وقیع اتفاق بکنار و بیوس:  
این برای چیست?  
تو باید رهبری را به دست گیری

محمد یعقوب یادگاری محصل زورنالیزم

## دو مجموعه شعری به پیشواز از جشنواره غزنوی به چاپ رسید

دو مجموعه شعری به پیشواز سال فرهنگ و لایت غزنوی به آزادان ۲۰۱۳ و معرفی شهر غزنوی به عنوان باخت رشتہ اسلام به چاپ رسید. مرکز فرهنگی جهان اسلام به چاپ غزنوی و به پیشواز از جشنواره سال ۲۰۱۳ در شهر غزنوی، مترش شده است. این دو مجموعه به کمک مالی وزارت اطلاعات و فرهنگ به لایت غزنوی به پیشواز سال ۲۰۱۳ و شریفی که خود این مجموعه را معرفی شهر غزنوی به عنوان مرکز ویراش و تدوین کرده است، اشعار فرهنگی جهان اسلام اخیراً به مندرج در این دو کتاب را ستودنی چاپ رسیده است. بسم الله الشریفی رئیس اطلاعات و خواند.

## غزل

اخلاق وطن قاعده تاً مکروفون شد  
اخلاق فغان کرد و ازین ملک بیرون شد  
از تفرقه مابود ای مادر مینهن  
اولاد تو گر خوار تسر از خار کنون شد  
چون صبح و مسایر در اغیار دویدم  
تعداد گدایان تو هر روز فزون شد

در هر ورق دفتر تاریخ شود نیت  
تاریخ کسانی که چنین خوار و زبون شد  
بانان جوین ساز و مزو بدر مردم  
هر چند که ترنا ن تو بالخته خون شد  
افسوس بسیما که کنون حرمت این خاک  
بامال هوا و هوس مردم دون شد

قصوت کوته است: خانه خان  
جاءه - جام و نامه - نام (ن) ساکن  
اگر بعد از مصوّتهاي بلند باید و  
جدب هجای هدیز نشود در  
تقطیع حساب نمیشود هائند: (ن)  
ساربان و زمان.

موقع خواندن شعر استقلال  
کلمات از میان میروند و تلفظ  
کلمات در هم ادھام میشود. باید  
تلفظ هجا به صورتیکه در شعر شنیده  
میشود مورد نوجه فرار گیرد مثلاً  
ضرع: سحر گاهان لیم آهه خیرد  
چینی تلفظ میشود:  
سحر گاهان لیمه هاست خیرد که  
الف و مد آهه به نیم پوسته است.  
و ضرع: من از عالم تورا نهاد  
گریدم به صورت میز عالم تورا نهاد  
گریدم به تلفظ در میايد. برای  
دقت در تقطیع شعر تلفظ دقیق  
هجهای را با خط لایتن یا فارسی باز  
لویسی میکنند و بین این کار اسلامی  
عرضوضی میگویند. میتوان از خط  
فارسی برای نوشتن تلفظ کلمات  
و هجا های شعر استفاده کرد. و  
لیاز به الفبای فارسیک و لاتین  
نیست با توجه به قواعد و مطالب  
کفته شده چند بیست را تقطیع  
میکنیم:

ادامه دارد

دو بخش و دیسان از دو بخش  
تکلیف شده در تخلیص هما و  
وزن شعر آنچه شنیده میشود اعبار  
دارد از آنچه نوشته میشود چنانچه:  
در لفظ «المات» خواست، خوازه،  
خواب تلفظ نمیشود و این کلمات  
معادل خلسته، خارزم و خاب  
هستند. نتوین به صورتیکه تلفظ  
میشود را که می ماند مکلفوف  
نمیگویند. حذف هجای آخر  
مانعین که مطابق میماند به مقول  
قویون هستند یعنی نتوین ها به  
صورت (ت) و (ن) تلفظ میشوند  
مثل: قول، قول، قول، قول و  
حروف حساب میشود: شدت -  
شدت - حدت - حدت که برای  
دو هجای بلند است و حرف ربط و  
(و) یا نضم معادل بک مصوب  
کوته هستند مانند و در کلمه  
خورشید و (و) در کلمه تو مثلاً من  
و تو چینی تلفظ میشود من ت، ماه  
خرشید چینی تلفظ میشود: ماه  
خورشید. چند تکه در مورد تقطیع  
اثمار موزون:  
- من و لوله موهه و خورشید  
- این گردون گردان بست غلط  
(ه) غیر ملحوظه لزوم معادل بک

کتاب

اضافات مشهور مطابیل:  
۱- گفت مفاسیل مکلفوف  
۲- حذف مفاسیل فسول  
محذف  
۳- خرب فاسیل و ملعول اخرب  
۴- قیض مفاسیل (منوضع)  
۵- بستر فرع (ایفر)  
حذف ن مفاسیل را که و  
مفاسیل را که می ماند مکلفوف  
نمیگویند. حذف هجای آخر  
مانعین که مطابق میماند به مقول  
تبدیل میگردد آنرا محذف  
نمیگویند.  
حرب: حرف آخر واول مفاسیل  
است. فاسیل را که میماند به مقول  
تبدیل میکنند و آنرا اخرب  
نمیگویند (خراب شده)  
مفهوم البته از حذف حرف  
بنجیم ساکن است و مفاسیل را که  
میماند مفهوم میگویند. اگر از  
مفاسیل نهایی بک هجای بلند غایب  
مفاسیل تبدیل میشود و به آن  
محذف میگویند.  
بعز هز: بعز هز در لغت به  
معنی توانه و تریم است و در  
قطعه همان بخش کردن کلمات  
است مثلاً آب از بک بخش، بایا از

هزج نم سالم است و به هشت بار  
مفاسیل تقطیع میشود:  
جهنم آموختی از حرس آنکه توں کافر شد  
چسوزدی با برخ آید گردیده تو برد للا  
جز غیر سالم آن است که با کسی  
وزیاد شدن حروف و حركات (کم و  
با زیاد شدن و با تغییر کمیت  
هایها) تغییری در آن رخ داده  
باشد مثلاً مفاسیل به حذف یک  
هیچی بکلند از آخر آن تبدیل به  
مانعی فقول میشود و زنی را که از  
اجزای غیر سالم تکلیف باقیه باشد  
مزاحف میگویند مانند بیت زیر:  
**چه خوش تر زانکه بعداز انتظاری  
به امیدی رسد امیدواری**  
که هر مصراع آن به مفاسیل  
مفاسیل فقول تقطیع میشود و بعزم  
هزج مدن مفاسیل مانند بیت زیر:  
**جه خوش تر زانکه بعداز انتظاری  
به امیدی رسد امیدواری**  
که هر مصراع آن به مفاسیل  
مفاسیل فقول تقطیع میشود و با  
هزج مدن مفاسیل مانند بیت زیر:  
کنند آن راه باید از آن راه  
تغییری (زحافی) در آن راه باقیه باشد  
بسالم و غیر سالم تأیید میشود:  
جزء سالم آن است که از اجزاء  
تغییری در آن هاراه باقیه باشد  
بسالم تغییر شده باشد بعزم سالم  
نمیگویند مانند بیت زیر که در بحر را

در اصطلاح عروس و زن های  
اصلی اشعار را بحر می نامند.

بحر های متداول در شعر فارسی  
و عربی نوزده بحر است که نام  
های شان به قرار ذیل است: بحر

هزر، بحر اهل، بحر اخبار، بحر  
متقارب، بحر خیف، بحر سریع، بحر  
متعصب، بحر ممتاز، بحر محبت،

بحر طول، بحر کامل، بحر بسیط،  
بحر والر، بحر کاملاً، بحر غریب،  
بحر قرب، بحر شاکل که نزده  
میشود.

هست بحر از این نوزده بحر را  
که از تکرار یکی از اجزاء اصلی  
حاصل میشود، بحر متفاوت، بحر

دو زاده بحر دیگر را که از تو کسب  
اجزای اصلی مختلف از ایکان میگویند، از هر

بحر وزن های مختلف حاصل میشود،  
اصلاح میگویند مانند بیت زیر:

**چه خوش تر زانکه بعداز انتظاری  
به امیدی رسد امیدواری**

که هر مصراع آن به مفاسیل  
مفاسیل فقول تقطیع میشود و با

هزج مدن مفاسیل مانند بیت زیر:  
جزء سالم آن است که از

جزء ایدی (زحافی) در آن راه باقیه باشد  
تغییری (زحافی) در آن راه باقیه باشد  
بسالم و غیر سالم تأیید میشود:  
جزء سالم آن است که از اجزاء

تغییری در این هاراه باقیه باشد  
بسالم تغییر شده باشد بعزم سالم  
نمیگویند مانند بیت زیر که در بحر

## دزد مثل ها

سعده خزان

- دزد را بد میسیند، خس دزد هر دویش را
- دزد تا بلند در چوکی کم در آمد می چپد.
- دزد مال بهتر است از دزد حال
- از دزدی دست کشید و رفت «ش».
- دزد ادی، بدترین دزده است.
- آخر راه دزدی، جای دزدی است.
- دزدی که کردی، چه بکلار، چه صد بار
- دزد تا دزد است.
- هر گونه دزدی را شیده بودم، نام و نشان دزدی را نوی شوم
- دزد همان دزد است، مک شیوه دزدی اش نو شده است

## پیامی دارم

مختص کریم حمید بر غزل اقبال لاهوری

لیستای می و ساغر و جامی دارم  
لی سه گلزار و کلی دیده بدمی دارم  
لی لب خنده صبح نی خم شامی دارم  
حضرت جلولاً آن ماه تمامی دارم  
دست بر سه نظر ب لب بامی دارم

له می گفت که دل دری ب آن سیرم  
دیدند گفت که می کل روشن بود در نظرم  
بوسیم گفت که لب چون می گشون ندم

حسن می گفت که شامی ندیده سحرم  
شقی گفت که تسبیه تسبیه بامی دارم

ندهم موععظه زاهد و تیخ راه بکوش  
لسرم ب در هر بکده و باده و بوش

نه غلام حرم شام و نی حلته بکوش  
له به امروز ایسم نه به فردا نه بدش  
نه نشیی نه فرازی نه مقامی دارم

می سرد باد سما همراه به هرجا بیوه  
هر طرف روی کنم باز بوسیم رویه

له منم ببل شوریده که هر گل بلویه  
بساده رازم و پیمانه گماری جویه

در خرابات سخان گردش جامی دارم  
هذا صاحب و ما منتظرم دیده بدر

مسایعیم زراق دیده تراخاک بسر  
گوشو بلالا دل باش و زآهم بحدر

مسی نیازانه زشوریده نوایم مکار  
مرغ لاهونه و از دسته آن کویه

مسدر در الفت و مهر راهر و رهیویه

هچجو اقبال حمید خانه دلها جویه

بوده بکریم و در برد سخن می گوییه

تیغ خسوزیم و خود را به نیامی دارم

## تبصره به معروفی کتاب

عبدالرحیم احمدی

به خواننده گان معلومات کافی  
برآورده باشیم.  
از اینکه در اشعار عارف چاه  
آین علاوه بر اشعار وصفی، اشعار  
پند آمیز و نصیحت به ملاحظه  
میرسد.  
بنای اگر نویسنده محترم از  
اعشار ناب عارف چاه آبی ذکر  
عمل می آورد پیتر می شد در  
ذیل نمونه ای از شعر وصفی  
اما بنده چون بیز از همان

قلم کشور علاقمندی زیادی  
دانشته و باشد تو بده شرح  
زنده گی و آثار عارف چاه آبی را  
در شماره فوق روزنامه ملی  
ایسی به نشر نسخه رساله قابل  
یادآوری میدانم که این خدمت  
فرهنگی آقای (م سرشک) می باشد  
سزاوار تحسین و قابل قدر بوده  
و میباشد.  
اما بنده چون بیز از همان

سرزمین یعنی از چاه آب بوده و  
معلومات شفاهی بیس که از  
اشخاص ساخته شده و پیر  
نشیدهدم میخواهیم در نوشته  
آقای (م سرشک)، کلمات چندی  
یا باز از اشعار نایخانی خدمت به  
وطندازی شده باشند و از طرف  
دیگر حق شاعر نیز بحال شده و









**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)**  
**Ketabton.com: The Digital Library**